

تو هم مگو چون او

(تاملی در مصاحبه های خداحافظی اعضای کابینه سیزدهم)

www.GHOLAMREZAKHAKI.COM

غلامرضا خاکی

اشاره

ریا، یکی از رخدادهای ناپسند در جوامع مدعی تقدس است. در چنین جوامعی، ارزش های مقدسی در فضای عمومی حالت تابو پیدا می کنند لذا افرادی دوست دارند که خود را مصداق آن ارزشها نشان دهند و از این طریق احساس هویت مقدس کنند تا به منافع مادی و روانی دست یابند. این گروه اهل ظاهر گندم نمای جوفروش در چنین جوامعی، به میزانی که مخاطبان توده های ساده باورمند باشند می توانند بفریبند و در نزد آنان دارای جایگاه و ارزش می شوند و کار خود را خدائی جلوه دهند.

تکلیف دینی یا طلب مقامات دنیوی؟

از ابتدای انقلاب، ادعایی به نام منصب خواهی یا مقام گریزی در میان دولتمردان در فضای اجرائی کشور مطرح شد. در این رویکرد، تلاش برای رشد سازمانی و به دست آوردن هر گونه جایگاه و قدرت به عنوان یک ضد ارزش مطرح گردید، لذا هر که به هر پستی و مقامی که می رسید سعی می کرد صدای خود را نازک کرده و با اظهار تواضع و شکستگی ادعا کند که هرگز طالب چنین مقامی نبوده است، بلکه کسانی که صاحب جایگاه بالاتر بوده به آنها تکلیف کرده اند، آن هم تکلیفی از نوع دینی و شرعی اش نه تکلیفی ملی و میهنی. این رویکرد جاری شد و همچنان هم هست. در طول این سالها خیلی را دیدیم با انواع تظاهرها، مقدس مآبی ها و با این و آن رابطه برقرار کردن ها، وعده و وعید دادن ها و کارهای غیراخلاقی در حذف حریف، به جاهائی رسیدند و بار خود و بستند و رفتند مدعی شدند که آنچه کردند به آنان تکلیف شرعی شده و ابلاغ اداری شان از جنس آسمانی است. در سه دهه اخیر این نوع ادعاها داشت در

مواضعی، کم‌رنگتر می‌شد و مردم داشتند چند و چون کار دولتیان را از ادعاهای دینی جدا می‌کردند که دوباره کسانی در چند سال اخیر تنور آن را گرم کردند.

زهی خوشباوری به خویش

این روزها، بیشتر اعضاء کابینه سیزدهم در مصاحبه‌های خداحافظی خود به گونه‌ای سخن می‌گفتند که گوئی اینان رهبانان و عارفان تارک دنیایی بوده‌اند که با غل و زنجیر و زور آنان را از قعر غارهای ریاضت و استغراق به امور باطنی، بیرون آورده‌اند و مقامات دنیوی را به آنها تحمیل کرده‌اند. ادعاهایشان قول پیر خوارزم را به یاد می‌آورد که:

حاکمان در زمان معزولی همه شبلی و بایزید شوند

جالب آنجاست وقتی از آنان پرسیده می‌شد اکنون که این مقام را باید ترک کنید چه احساسی دارید؟ اظهار می‌کردند: از اول هم به هیچ چیز دلبستگی نداشته‌اند و اکنون برای هیچ چیز ناراحت و دل‌تنگ نیستند، همه کارهایشان برای خدا بوده است. گویی این حضرات فراموش کردند که در یکی از آخرین کارهایشان اقدام نوآورانه تکلیف دینی تشخیص رجل سیاسی را هم به عهده گرفتند شاید که همکارشان در آینده بتواند آنان را در جایی که هستند تثبیت کند. (تشخیص این که چگونه تمامی کارهای برای خدا در جامعه ما به نتایج منفی و پریشانی ایمان سوز خلق خدا می‌انجامد، پارادوکسی است که تاکنون کسی برای آن پاسخی نیافته است.)

این اظهارات عارفانه (!) در حالی است که بسیاری، خیلی از اینان را دیده‌اند که چگونه در بدر به دنبال بوده‌اند تا صاحبان قدرت آنان را بشناسند و تایید کنند، یا کسی را پیدا کنند که با نماینده مجلسی آشنا باشند تا راه رسیدن به قدرت آنان را هموار کند، رای اعتمادی به آنها بدهند یا این که در دوران صدرات، استیضاحشان را پس بگیرند و از آنان حمایت کنند و چه و چه...

دیگر بس نیست؟

نقل است که مقدس (محقق) اردبیلی (عالم و فقیه شیعه امامیه در قرن دهم هجری) به حمام رفت. دید حمامی دارد در خلوت خود می‌گوید: خدایا شکر که شاه نشدیم، خدایا شکر که وزیر نشدیم، خدایا شکر که مقدس اردبیلی نشدیم!

مقدس اردبیلی پرسید: آقا خب شاه و وزیر ظلم می کنند ، شکر کردی که در آن جایگاه نبودی ، چرا گفستی خدایا شکر که مقدس اردبیلی نشدی؟

گفت: او هم بالاخره اخلاص ندارد! شما شنیدی می گویند مقدس اردبیلی، نیمه شب دلو انداخت آب از چاه بک شه دید طلا بالا آمد، دوباره انداخت دید طلا بالا آمد، به خدا گفت: خدایا من فقط یک مقدار آب می خواهم برای نماز شب ، کمک کن!

مقدس گفت: بله شنیدم. حمامی گفت: اونجا، در نیمه شب، کسی بوده با مقدس؟ مقدس گفت: نه ظاهرا نبوده ... حمامی گفت: پس چطور همه خبردار شدند؟ پس معلوم می شود کارش خالص خالص نیست!! مقدس می گوید به خودم آمدم و فهمیدم این روایت از پیامبر یعنی چه که فرمودند:

“ریا در مردم، پنهان تر است از جنبیدن و حرکت مورچه بر روی سنگ سیاه در شب تاریک ...”

امید است وزرای آتی، این فرهنگ ریآلود که مفسده‌هایی گوناگونی دارد تقویت نکنند و صادقانه بگویند تلاشها کرده اند تا در همین کمیته های شوراهای راهبردی و خود شورا و خارج از آن مقبول افتند امید دارند که تلاش هایشان را در راستای سامان زندگی این مردم قرار گیرد. اینان نیز همه کارهای خود را برای خدا و در جهت رضای او جلوه ندهند و بیشتر از این با اعتقادات مردم بازی نکنند و از آمار انتخابات درس عبرت بگیرند.

آنچه که یک مسلمان باید بداند این است که میل دنیایی اش را در مسیر درست و در راستای اهداف پسندیده هدایت کند و همواره در خلوص نیت خود تردید کند. به قول حافظ:

گفتی از حافظ ما بوی ریا می آید آفرین بر نفست باد که خوش بردی بوی

چنین ادعاهای خلوص ملکوتی، برخلاف آنچه تصور می شود صاحب منصبان را در نگاه مردم دیگر بی ارزش می کند و با توجه فضای اجتماعی امروز، آنان را ریاکار جلوه می دهد، پس بهتر است خود را از سانی خواهان ر شد جلوه دهیم که ما هم برای نام و نان می کو شیم اما سعی می کنیم تا اخلاقی تر، عقلانی تر و قانونی تر عمل کنیم، نه خود را از کسانی جلوه دهیم که آنچه می کنیم همه به امر خداست، چرا که:

همچنان هر کاسبی اندر دکان بهر خود کوشد نه اصلاح جهان

